



جهاد نفس؛ ایجاد اعتدال در قوا/ برخورد امام معصوم(ع) با فردی که کارهای خارق‌العاده انجام می‌داد

یک پژوهشگر دینی، جهاد با نفس را ترک محرمات و انجام واجبات و به نوعی ایجاد اعتدال در قوا خواند و گفت: ایجاد این اعتدال قوا تنها با نسخه ادیان الهی امکان تحقق دارد و ادیان غیر الهی و یا عرفانهایی مثل بودیسم و هندو شاید یکسری مطالب درستی هم ارائه دهند و انسان هم بدان عمل کند اما آن اعتدال مناسب و صد درصد اتفاق نخواهد افتاد.

یک پژوهشگر دینی، جهاد با نفس را ترک محرمات و انجام واجبات و به نوعی ایجاد اعتدال در قوا خواند و گفت: ایجاد این اعتدال قوا تنها با نسخه ادیان الهی امکان تحقق دارد و ادیان غیر الهی و یا عرفانهایی مثل بودیسم و هندو شاید یکسری مطالب درستی هم ارائه دهند و انسان هم بدان عمل کند اما آن اعتدال مناسب و صد درصد اتفاق نخواهد افتاد.

حجت الاسلام حسن معلمی عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) در گفتگو با خبرنگار مهر، در تبیین معنای «جهاد نفس« گفت: جهاد با نفس از مباحث مهم و اساسی قرآن و روایات است و کلمه «جهاد با نفس« بر می‌گردد به سخن پیامبر(ص) که از جنگ با اصحابشان برمی‌گشتند و فرمودند: "مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ..." "مرحبا به قومی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند و جهاد اکبر برایشان باقی مانده است" سؤال شد: یا رسول الله جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد النفس.

وی با اشاره به تشریح این حدیث در کتاب «چهل حدیث« امام خمینی(ره) گفت: نفس همان روح آدمی است. انسان هم جنبه الهی و هم جنبه حیوانی و هوای نفس دارد مثلاً در آیات قرآن از روح با عظمت یاد شده همچون "نفخت فیه من روحی..." یا "... قل الروح من امر ربی..." اما آنجایی که نفس مطرح است نفس اماره هم مطرح است و نسبت به دوری از هوای نفس هشدار داده شده است یعنی در قرآن آنجایی که لفظ «نفس« آمده هم با عظمت از آن یاد شده مثل نفس مطمئنه، نفس مرضیه و نفس راضیه و... و هم از نفس با نکوهش یاد شده است مثل نفس اماره اما از روح در همه آیات با عظمت یاد شده است.

وی با اشاره به بیان شهید مطهری در باب نفس، گفت: ایشان می‌گویند ما یک من علوا و یک من سفلی داریم که روح و نفس ما دو بعد الهی و ملکوتی دارد که همان نفخت من روحی است و نفس لوامه و همان نفس سرزنش‌گر که انسان را به کار خوب دعوت می‌کند و یک نفس «سفلی« من پایین و هواهای نفسانی دارد. برای نفس تا 22 مرتبه را بیان کرده اند. نفس حقیقتی پیچیده‌ای است که عرفا و علما تا 22 مرتبه را برای آن ذکر کرده اند و به تعبیر روان‌شناسی بخشهای خودآگاه و ناخودآگاه و نیمه خودآگاه فراوان دارد که هر یک تأثیر خود را در رفتار اختیاری انسان دارد.

مؤلف کتاب «نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب« افزود: جهاد با نفس در واقع این است که انسان اعتدالی بین این قوا برقرار کند چون هیچ قوه‌ای از قوه‌های نفسانی مثل قوه غضب، قوه شهوت و... بی‌جهت نیست و خداوند با حکمت آن را در آدمی نهاده است و مهم این است که از این قوا در جای خود استفاده شود و به تعبیری اعتدال در قوا ایجاد گردد و از آنجا که ما انسانها به زوایای پنهان نفس خود آگاهی نداریم شاید با عقل و معرفت بشری نتوانیم چه کاری و چه عبادتی می‌تواند یک تعدیل در قوا ایجاد کند لذا نیاز به وحی و شریعت و انبیاء الهی و پیام خداوند داریم که او به همه اسرار درونی ما آگاه است.

وی در ادامه یادآور شد: لذا وقتی دین می‌آید، می‌خواهد به ما نسخه‌ای بدهد که اگر به آن عمل کردیم این نسخه ما را به تعدیل درست قوای نفسانی می‌رساند تا تمام قوای نفسانی در میزان خود به کار گرفته شوند ولی افراط و تفریط صورت نگیرد که جهاد با نفس در واقع به همین معناست. اما چون عمل به آنچه شارع مقدس به عنوان واجب و حرام گفته است در مواردی با غضب و یا شهوت مخالفت دارد، مشکل است؛ این به جهاد نیاز دارد لذا شهید مطهری می‌گوید جهاد نفس یعنی این من سفلی و من پایین با من علوی و آن حقیقت الهی ما درگیر می‌شود و اگر آن من علوی و ملکوتی پیروز شود ما احساس غرور می‌کنیم که توانستیم هوای

نفس را زیر پا بگذاریم اما اگر آن من سفلی موفق شود انسان احساس شکست می کند؛ شهید مطهری می گوید این احساس غرور در مواردی و احساس شکست در مواردی نشان می دهد که یک جنگی صورت گرفته و یک پیروزی یا شکست رقم خورده است و همه اینها در درون خود روح و نفس صورت می گیرد.

حجت الاسلام معلمی راه عملی جهاد اکبر را انجام واجبات و ترک محرمات خواند و گفت: ایجاد این اعتدال قوا تنها با نسخه ادیان الهی امکان تحقق دارد و ادیان غیر الهی و یا عرفانهایی مثل بودیسم و هندو شاید یکسری مطالب درستی هم ارائه دهند و انسان هم بدان عمل کند اما آن اعتدال مناسب و صد درصد اتفاق نخواهد افتاد.

وی در تشریح تفاوت جهاد نفس با برخی از مکاتب کنترل و مراقبه، گفت: زمان یکی از ائمه اطهار(ع) فردی بود که کارهای خارق العاده انجام می داد و غیب گویی هایی می کرد و روزی به خدمت امام می رسد و از امام می خواهد که مثلاً بگوید در دستش چیست و امام کارهای غیبی او را حدس بزند و... و امام می فرماید: که تو به خدا ایمان بیاور. وقتی این فرد ایمان می آورد دیگر نمی تواند آن کارها را انجام دهد و این نشان می دهد که روح انسان مثل جسم آدمی است یعنی بر هر قسمت که تمرکز کنید و آن را تقویت کنید قطعاً یک بعدی از ابعاد نفس قوی می شود مثل مرتاضهای هندی که قطار را با چشم خود نگه می دارند چون بر روی این مسئله تمرین و تمرکز کردند یا سحره زمان حضرت موسی(ع) که قرآن از آن به «سحرعظیم« یاد می کند و «...جائوا بسحرعظیم« و حتی حضرت موسی(ع) بیم این را داشت که این سحرها باطل نشود و خداوند به او می فرماید نترس و پیروزی با توست. انسان وقتی در یکی از ابعاد نفسش تلاش کند به قدرتهایی می رسد اما مسئله اینجاست که آیا به صرف اینکه ما بر بخشی از روحمان کار کنیم و به یکسری قدرتها برسیم این هدف آفرینش است؟

این مدرس حوزه و دانشگاه تصریح کرد: شاید این عرفانهایی معنوی نوپدید تمرکزها و یکسری ورزشهای خاصی بدهند و فرد هم به یکسری آرامشهای نسبی برسد اما سؤال اینجاست که آیا این هدف آفرینش انسان است؟ این مثل آن است که فردی در تاریخ 20 بشود اما معدلش 10 بشود و یا دستش 4 متر و بدنش کوچک باشد یعنی ناهماهنگ و ناموزون می شود. ادیان الهی اگر به انسانها قدرت می دهند یک قدرت با یک معدل و نسبت و سنجه درست می دهند و هر قوه و هر بخشی از نفس آن مقدار لازم رشد می کند نه بیشتر تا همه مقدمه ای شود برای قرب الهی و کمال نهایی که اسلام در نظر دارد.

حجت الاسلام معلمی افزود: ممکن است که انسان با روش مکاتب معنویت گرا چند صباحی به آرامش برسد اما آیا این برای ابدیت ما کافی است؟ و آیا تا آخر عمر این آرامش تأمین می شود؟ و آیا پس از مرگ نیز چنین آرامشی را تضمین می کند؟ وقتی ما خود را به ادیان الهی می سپریم که تحریف نشدند و معتقدیم که اسلام کامل ترین است مطمئنیم که ما خود را به طبیب و نسخه ای می سپاریم که هم این دنیا و هم آن دنیا در تمام ابعاد نفس ما را ضمانت می کند و به این خدایی که در این ادیان هست می توان تکیه کرد اعتماد کرد چون رحمان و رحیم و بر همه چیز آگاه است.

عضو مجمع عالی حکمت اسلامی در پایان تأکید کرد: ادیان غیرالهی و مکاتب مختلف معنویت گرا قطعاً راه به جایی نخواهند برد چون زاییده بشر هستند و مکتبی که بشر با همه نبوغش ساخته در مقابل چیزی که خداوند متعال که خالق هستی است و آن را توسط انبیاء به ما داده است، اصلاً قابل مقایسه نیست و اگر بناست انسان به آرامش، به سعادت و کمال برسد آنکه خدای متعال فرستاده قطعاً انسان را رهنمون است اما آن چیزی که زاییده بشر است شاید توانمندی هایی را بدهد اما به طور منطقی آن راه صحیح و ضمانت کامل همراهش نخواهد بود.